



# دومینوی سقوط

### مسائل امریکا

#### گروه سیاست

با سقوط شوروی، ایالات‌متحده خود را یگانه قدرت در نظام بین‌الملل ارزیابی می‌کرد که به دنبال هژمونی خود در نظام بین‌الملل بود. امریکا برای حفظ هژمونی خود در نظام بین‌الملل، سه ابزار اصلی داشت-۱- جنگ ۲- تحریم ۳- دلار و سیستم بانکی بین‌المللی. این کشور با استفاده از این سه ابزار در طول ۳۰ سال گذشته سعی کرد هژمونی خود را بر سیستم بین‌الملل اعمال کند. امریکا در طول جنگ سرد نهادها و سازمان بین‌المللی را برای حمایت از این سه ابزار بنا نهاد و با استفاده از آن بر کشورهای مخالف، متضاد یا حتی رقیب اعمال فشار می‌کرد. بررسی تحولات ۳۰ سال اخیر بین‌الملل نشان می‌دهد این کشور در گزینه اول دچار چالش جدی شده است. گزینه دوم دیگر برندگی گذشته را ندارد و سلطه دلار با وجود اینکه هم‌اکنون بر نظام بین‌الملل مسلط است، اما به نظر می‌رسد در سال‌های ن چندان دور کارایی خود را به‌عنوان یک ابزار برنده از دست خواهد داد، هرچند به نظر می‌رسد صحبت از پایان سلطه دلار در سال آینده، از واقعیت به دور باشد.

**۱-جنگ**
امریکا در طول دوران جنگ سرد برای مهار کمونیسم از سه ابزار یاد شده استفاده کرده است. گزینه جنگ را هم این کشور در منطقه هند-پاسفیک به مرحله اجرا درآورد. در این منطقه ایالات‌متحده دو جنگ طولانی را پشت‌سر گذاشت که در جنگ کره منجر به تقسیم کره به دو کشور و در مورد ویتنام منجر به شکست این کشور شد. شکست در جنگ ویتنام و انتقادهای داخلی و افزایش هزینه‌های امریکا باعث شد استراتژی دخالت مستقیم را کنار بگذارد. نیکسون رئیس‌جمهور ایالات‌متحده در جزیره استراتژیک گوام در سال ۱۹۶۹ از دکترینی رونمایی کرد که می‌توان آن را در راستای موازنه فراساحلی ارزیابی کرد. نیکسون در سال ۱۹۶۹ گفت: «ایالات‌متحده در زمینه مناسب‌تاش با کشورهای آسیایی باید به دو نکته تأکید کند؛ اولاً ما به همه تعهدات قراردادی خود احترام خواهیم گذاشت و ثانیاً تا جایی که مربوط به مسائل امنیت داخلی و مسائل دفاعی نظامی باشد، صرفنظر از تهدید از جانب یک دولت بزرگ که مسلماً منجر به توسل به سلاح اتمی خواهد شد، دولت امریکا ملل آسیایی را تشویق می‌کند مسائل امنیت داخلی و دفاعی را بین خود حل‌وفصل کنند و انتظار دارد خودشان مسئولیت را به عهده بگیرند.» کلارک کلیفور، وزیراسبق دفاع امریکا در آوریل

۱۹۶۹ در کمیته نیروهای مسلح سنا، اظهار داشت: «بی‌گمان هدف غایی کوشش‌های دفاعی در آسیا باید این باشد که به متحدان کمک کنیم توانایی دفاعی خود را احراز کنند. این سیاست علاوه برآنکه متضمن هزینه کمتری است (هزینه نگهداری یک سرباز آسیایی یک‌پانزدهم هزینه‌ای است که صرف یک سرباز امریکایی می‌شود)، از نظر سیاسی و روانی به سود هر دو طرف خواهد بود.» امریکا تا دهه ۹۰ سعی می‌کرد وارد باتلاق جنگ نشود، اما از دهه ۹۰ به بعد این کشور با تغییر استراتژی خود در یکی از مهم‌ترین مناطق دنیا یعنی خاورمیانه وارد جنگ‌های خانمانسوز شد؛ خلیج فارس، افغانستان و عراق سه جنگی است که امریکا در خاورمیانه به صورت کلاسیک تجربه کرد و در دو جنگ افغانستان و عراق با وجود تغییر رژیم اما شکست خورد و دستاوردی در پی نداشت. امریکا در عراق بعد از هزینه‌های زیاد سرانجام تسلیم اراده ملی مردم و دولت‌های منطقه‌ای همچون ایران شد و اکنون با وجود حضور نظامی حداقلی اما دیر باز در عراق راز ترک خواهد کرد. این کشور در افغانستان بعد از شکست طالبان به مدت ۲۰ سال به تاراج منابع آن پرداخت و سرانجام به بدترین شکل ممکن مجبور به خروج از آن شد و بار دیگر طالبان سرکار آمد. واقعیت این است که امریکا در مورد جنگ گرفتار نظریه‌پردازی تئوری شده

## ۲-تحریم عراق بعد از هزینه‌های زیاد سرانجام تسلیم اراده ملی مردم و دولت‌های منطقه‌ای ایران شد و اکنون با وجود حضور نظامی حداقلی اما دیر با زود عراق را ترک خواهد کرد

چرا ایالات‌متحده دولت و گروه‌های مختلف را تحریم می‌کند؟ چون بستر تحریم‌ها را پس از جنگ جهانی دوم در قالب نهادسازی، رژیم‌های بین‌المللی و غلبه دلار برای شروع هژمونی خودآغاز کرد. پس از جنگ جهانی دوم و در طول بیش از ۷۰ سال اخیر، ایالات‌متحده با استفاده از این بستر اقدام به تحریم دولت‌ها و گروه‌های مخالف هژمونی این کشور با یک مخالف سیاست‌هایش در نظام بین‌الملل کرده است. ایالات‌متحده برای تغییر رفتار، سرنگونی نظامی‌ها، ایجاد آشوب و انقلاب‌های رنگی، همواره از بستر تحریم‌ها در طول دهه‌های گذشته استفاده کرده است، اما با گذشت زمان و با شکل‌گیری قدرت‌های نوظهور، سیاست تحریمی امریکا به سمت‌کندی پیش می‌رود و در آینده بلندمدت جنبه سمبلیک و نمادین خواهد یافت و کارایی گذشته خود را نخواهد داشت. اساساً ایالات‌متحده بر این اساس تحریم می‌کند چون بستر تحریمی ایجاد کرده و اگر بستر تحریمی کارایی خود را از دست بدهد، یکی از ابزارهای اساسی این کشور از دستور کار خارج خواهد شد. در همین زمینه آگانه دماریس، نویسنده کتاب «آتش معکوس : چگونه تحریم‌ها، جهانی بر خلاف منافع امریکا ایجاد خواهد کرد؟» در مقاله‌ای در نشریه «فار آقرز» با عنوان پایان عصر تحریم‌ها به ناکارآمدی بستر تحریمی امریکا می‌پردازد. نویسنده کتاب آتش معکوس در کتاب خود می‌گوید: تحریم‌ها به ابزار اصلی سیاست خارجی ایالات‌متحده تبدیل شده است. اقدامات اقتصادی اجباری مانند تعرفه‌های تجاری، مجازات‌های مالی و کنترل صادرات، بر تعداد زیادی از شرکت‌ها و ایالت‌ها و سراسر جهان تأثیر می‌گذارد. برخی از این مجازات‌ها، بازیگران غیردولتی مانند کارتل‌های مواد مخدر گلمبیا و گروه‌های تروریستی اسلام‌گرا را هدف قرار می‌دهد. برخی دیگر برای کل کشورهای از جمله کره‌شمالی، ایران و روسیه اعمال می‌شود. سیاست‌گذاران ایالات‌متحده تحریم‌ها را تاکتیکی که‌هزینه می‌دانند، اما در واقع این اقدامات اغلب در دستپایی به اهداف مورد نظر خود شکست می‌خورند و عوارض جانبی قوی آنها حتی می‌تواند به منافع امریکا آسیب برساند. در سال ۲۰۱۲ ایالات‌متحده ارتباط ایران را با سرچشفت (سیستم پیام‌رسانی جهانی که تقریباً همه پرداخت‌های بین‌المللی را امکان‌پذیر می‌سازد) قطع کرد تا ایران را از نظر مالی منزوی کند. دیگر دشمنان ایالات‌متحده به این موضوع توجه کردند و نمی‌دانستند ممکن است بعدی آن‌ها باشند. سپس در سال ۲۰۱۴ تحریم‌های غربی پس از ضمیمه کردن کریمه روسیه، تحریم‌هایی را علیه روسیه اعمال کردند که این اقدام مستقراً بر آن داشت تا خارج شدن از بستر اقتصادی غرب را در اولویت قرار دهد.

سرانجام در سال ۲۰۱۷ واشنگتن جنگ تجاری را با پکن آغاز کرد که بزودی به بخش فناوری سرایت می‌کند. با محدود کردن صادرات دانش بنیان ایالات‌متحده به چین، این کشور به دشمنان خود هشدار داد ممکن است دسترسی آنها به فناوری حیاتی قطع شود. این سه اقدام به ظهور یک پدیده جدید دامن زده که عبارت است از مقاومت در برابر تحریم‌ها. امریکا در سال ۲۰۲۲ تحریم‌های بی‌سابقه‌ای را علیه روسیه به بهانه جنگ اوکراین اعمال کرده است، اما این تحریم‌ها به هیچ وجه موجب تغییررفتار روسیه نشد و بسیاری از کشورهای جنوب، حتی اروپایی و قدرت‌های بزرگ همچون چین، هند، برزیل و آفریقای جنوبی به این تحریم‌ها نپیوستند و روابط خود را گسترش دادند. کشورهای خلیج فارس از جمله امارات و عربستان در حال وارد کردن نفت و فرآورده‌های نفتی از روسیه با قیمت پایین تر هستند تا نفت خود را برای سال‌های آینده ذخیره کنند. ایران نمونه بارز تحریم‌ها است. امریکا از زمان روی کار آمدن جمهوری اسلامی تاکنون بی‌سابقه‌ترین تحریم‌ها را علیه ایران صورت داده است، اما با وجود تلاطم اقتصادی در ایران، جمهوری اسلامی هیچ‌گاه رفتار خود را تغییر نداده و در نهایت منجر به تغییر رژیم نشده است. پس در نتیجه تحریم به‌عنوان گزینه دوم حفظ برتری امریکا و مبارزه با قدرت‌های جاش‌گر به مرور اهمیت خود را از دست داده است، هرچند هنوز هم از این ابزار استفاده می‌کند.

**۳- دلار و سیستم مالی بین‌المللی**
قدرت ایالات متحده در اعمال تحریم‌ها علیه سایر کشورها ناشی از اولویت دلار امریکا و نظارت این کشور بر کانال‌های مالی جهانی است، پس منطقی است که دشمنانش به دنبال ناواری‌های مالی باشند که این مزیت‌های ایالات‌متحده را کاهش می‌دهد. این کشورها به طور فزاینده‌ای با قراردادهای میادله ارزی، جابگیرین های سوئیفِت و ارزهای دیجیتال آنها را پیدا کرده‌اند. یکی از راه‌هایی که کشورها خود را در برابر تحریم‌ها مقاوم‌تر کرده‌اند، سوآپ دو جانبه ارز است که به آنها اجازه می‌دهد دلار امریکا را دور بزنند. معاملات میادله ارز، بانک‌های مرکزی را مستقیماً به یکدیگر متصل می‌کند و نیاز به استفاده از ارز سوم را برای تجارت از بین می‌برد. چین این ابزار را با ذوق و شوق پذیرفته و با بیش از ۶۰ کشور از جمله آرژانتین، پاکستان، روسیه، آفریقای جنوبی، کره جنوبی، ترکیه و امارات متحده عربی قراردادهای میادله ارز امضا کرده است که در مجموع به ارزش ۵۰۰ میلیارد دلار می‌رسد. هدف پکن مستلزم تمرکز ارتش اسرائیل بر کرانه شمالی و طاققت فرسا در آن پیش‌بینی تر هستند. چنین تحولی مستلزم تمرکز ارتش اسرائیل بر کرانه باختری است. این امر بر افزایش آن تأثیر می‌گذارد، به خصوص اگر تنش‌دید طولانی و طاقت‌فرسا در آن منطقه وجود داشته باشد. نیاز به تمرکز بر کرانه باختری، آموزش تشکیلات خودگردان فلسطین قابل پیش‌بینی تر هستند. چنین تحولی نیازمند بودجه‌هایی است که به هیچ قیمت سیستم‌های جدیدی که ممکن است برای مقابله با گروه‌های

چین در سال ۲۰۲۰ برای اولین بار بیش از نیمی از تجارت خود را با روسیه با ارزی غیر از دلار امریکا تسویه کرد که باعث شد اکثر این مبادلات تجاری از تحریم‌های ایالات‌متحده مصون باشند. اینکه روسیه و چین کانال‌های توسعه‌ی خود را با استفاده از یوان و روبل توسعه می‌دهند، نباید تعجب‌آور باشد. در مارس ۲۰۲۰ سازمان همکاری شانگهای تلاش برای دور زدن دلار امریکا، تحریم‌های ایالات‌متحده و توسعه پرداخت‌ها به ارزهای محلی را در اولویت قرار داده بود. یا توجه به وضعیت انقباض روابط واشنگتن و پکن، تمایل فزاینده چین برای کنار گذاشتن دلار امریکا قابل درک است، اما متحدان ایالات‌متحده نیز در حال انعقاد قراردادهای میادله از هستند. هند در سال ۲۰۱۹ موشک‌های پدافند هوایی اس۴۰۰ را از روسیه خریداری کرد. معامله ۵ میلیارد دلاری باید تحریم‌های امریکا را به دنبال داشته باشد، اما هند و روسیه یک قرارداد میادله ارزی را که به زمان شوری بازمی‌گردد، احیا کردند. هند موشک‌های روسی را با استفاده از ترکیبی از روبل و روپیه هند خریداری کرد و بدین ترتیب از تحریم‌های امریکا که می‌توانست برای توقف فروش استفاده شود، اجتناب کرد. کردن تحریم‌های امریکا ایجاد کرده‌اند، توسعه سیستم‌های پرداخت غیرغربی است. تا زمانی که کشورها به استفاده از کانال‌های مالی غرب بویژه سوئیفِت ادامه دهند، از گستره تحریم‌ها در امان نخواهند بود. قطع کامل دسترسی یک کشور به سوئیفِت، گزینه هسته‌ای در زرادخانه تحریم‌های امریکا است که فقط یک بار آن هم علیه ایران استفاده شده است. چین و روسیه مشغول آماده‌سازی جابگیرین‌های خود برای سیستم پیام‌رسانی در صورتی که کشورهای غربی نیز تصمیم به قطع ارتباط با آنها بگیرند، هستند. عربستان سعودی معاملات نفتی خود را با چین به صورت یوان چین انجام می‌دهد و ایران به دنبال اتصال سیستم بانکی خود به روسیه است. بنابراین چرخه دلار به‌عنوان سومین ابزار قدرت ایالات‌متحده برای اعمال هژمونی، در حال فرسایشی شدن است. هر چند سخن از پایان سلطه دلار در کوتاه‌مدت نمی‌تواند با واقعیت منطبق باشد اما کشورهای در میان‌مدت و بلندمدت در حال جایگزین کردن ارزهای ملی و جدید به جای دلار امریکا هستند. برآیند کلی این است که ایالات‌متحده باید در نتیجه خسارت، تضعیف فرسایشی شدن و شکست‌های خود پیش از گذشته به درون بپردازد و هر چند این کشور توانسته است خود را با تلاطم‌های بین‌المللی از جمله شوری هماهنگ کند اما در واقع ابزارهای قدرت امریکا همانند گذشته نمی‌توانند کارایی داشته باشند و واقعیت‌های میدانی کاملاً گواه این امر است.

## ایالات‌متحده برای تغییر رفتار، سرنگونی نظامی‌ها، ایجاد آشوب و انقلاب‌های رنگی، همواره از بستر تحریم‌ها در طول دهه‌های گذشته استفاده کرده است، اما با گذشت زمان و با شکل‌گیری قدرت‌های نوظهور، سیاست تحریمی امریکا به سمت‌کندی پیش می‌رود و در آینده بلندمدت و بدین ترتیب از تحریم‌های امریکا که می‌توانست برای توقف فروش استفاده شود، اجتناب کرد. کردن تحریم‌های امریکا ایجاد کرده‌اند، توسعه سیستم‌های پرداخت غیرغربی است. تا زمانی که کشورها به استفاده از کانال‌های مالی غرب بویژه سوئیفِت ادامه دهند، از گستره تحریم‌ها در امان نخواهند بود. قطع کامل دسترسی یک کشور به سوئیفِت، گزینه هسته‌ای در زرادخانه تحریم‌های امریکا است که فقط یک بار آن هم علیه ایران استفاده شده است. چین و روسیه مشغول آماده‌سازی جابگیرین‌های خود برای سیستم پیام‌رسانی در صورتی که کشورهای غربی نیز تصمیم به قطع ارتباط با آنها بگیرند، هستند. عربستان سعودی معاملات نفتی خود را با چین به صورت یوان چین انجام می‌دهد و ایران به دنبال اتصال سیستم بانکی خود به روسیه است. بنابراین چرخه دلار به‌عنوان سومین ابزار قدرت ایالات‌متحده برای اعمال هژمونی، در حال فرسایشی شدن است. هر چند سخن از پایان سلطه دلار در کوتاه‌مدت نمی‌تواند با واقعیت منطبق باشد اما کشورهای در میان‌مدت و بلندمدت در حال جایگزین کردن ارزهای ملی و جدید به جای دلار امریکا هستند. برآیند کلی این است که ایالات‌متحده باید در نتیجه خسارت، تضعیف فرسایشی شدن و شکست‌های خود پیش از گذشته به درون بپردازد و هر چند این کشور توانسته است خود را با تلاطم‌های بین‌المللی از جمله شوری هماهنگ کند اما در واقع ابزارهای قدرت امریکا همانند گذشته نمی‌توانند کارایی داشته باشند و واقعیت‌های میدانی کاملاً گواه این امر است.



## حزب‌الله دارای ۱۵۰۰۰۰ موشک است که کل اسرائیل را پوشش می‌دهد و در نتیجه می‌تواند تلفات سنگین و خسارات بزرگی وارد کند

نیابتی مورد نیاز باشد، تمام شود. حزب‌الله و حماس برای جنگ آماده می‌شوند، اما فعلا نه به دنبال آغاز جنگ سرچشمه بگیرند یا از جای دیگری حاضر، اما به هر حال ممکن است به دلیل محاسبات اشتباه یا حادثه‌ای زمان و بودجه برای سرمایه‌گذاری در آمادگی برای جنگ، مانور دادن به این معضل همیشه سخت بوده است. در نهایت این مرکز اعا می‌کند که اسرائیل باید آمادگی همه جانبه خود را برای نبرد آینده آماده کند. نبردی که اسرائیل می‌تواند سرخوش ساز باشد. تجارب جنگ‌های اخیر اسرائیل علیه غزه و حزب‌الله ثابت کرده است که به هیچ وجه نباید توانایی‌های آنها را دست کم گرفت .

## مرکز بگین سادات در مورد نبرد آینده تجربه حزب‌الله در سوریه را تجربه‌ای بسیار بزرگ برای این حزب در مقابل اسرائیل ارزیابی می‌کند و می‌تواند می‌نویسد: حماس و حزب‌الله بر تکنیک‌های جنگ ترکیبی مانند گریزان بودن تکیه خواهند کرد. ارزیابی می‌کند و می‌نویسد: حماس و حزب‌الله بر تکنیک‌های جنگ ترکیبی مانند گریزان بودن تکیه خواهند کرد

اسرائیل ارزیابی می‌کند و می‌نویسد: حماس و حزب‌الله بر تکنیک‌های جنگ ترکیبی مانند گریزان بودن تکیه خواهند کرد. آنها می‌توانند مبارزه سختی را انجام دهند، زیرا مبارزان آنها انگیزه بالایی دارند و در برخی موارد به خوبی آموزش دیده و مسلح هستند. حزب‌الله پس از سال‌ها نبرد در سوریه نیز قدرتمند شده است.

اسرائیل اسرائیل یک برنامه چند ساله به نام «تحرك» برای سال‌های ۲۴-۲۰۲۶ دارد. هر برنامه چند ساله جدید باید محدودیت‌های اقتصادی و سیاسی را در نظر بگیرد. نمی‌توان همه مشکلاتی را که می‌تواند بر تشکیل ارتش اسرائیل تأثیر بگذارد،

چالش‌های اصلی پیش روی ارتش اسرائیل در حال حاضر، برنامه هسته‌ای ایران و رویارویی با بازیگران غیردولتی طرفدار ایران، عمدتاً حزب‌الله و حماس است. ارتش اسرائیل همچنین باید با مسائل امنیتی مهم دیگری از جمله ناآرامی‌های جاری در کرانه باختری و عملیات نظامی علیه ایران و حزب‌الله در سوریه مقابله کند.

#### برنامه هسته‌ای ایران

مرکز بگین سادات برنامه هسته‌ای ایران را یک چالش وجودی برای موجودیت اسرائیل ارزیابی می‌کند. همچنین این مرکز از چالش‌های پیش روی اسرائیل در مورد حمله به تأسیسات هسته‌ای ایران پرده برمی‌دارد و می‌نویسد: «بزرگ‌ترین تهدید نظامی که اسرائیل با آن مواجه است، دستیابی ایران به تسلیحات هسته‌ای است؛ هدفی که تهران به پیشرفت خود در جهت رسیدن به آن ادامه می‌دهد. اگر ایران بیش از حد به زرادخانه هسته‌ای نزدیک نشود، اسرائیل ممکن است سیاست‌های هسته‌ای ایران را بمباران کند. نیروی هوایی اسرائیل سال‌هاست که برای این مأموریت آماده می‌شود، اما انجام آن به دلایل متعددی امری دشوار خواهد بود. نخست، برخلاف حملات به تأسیسات تسلیحات هسته‌ای در عراق در سال ۱۹۸۱ و سوریه در سال ۲۰۰۷، اهداف متعددی در ایران وجود دارد. فاصله تا اهداف نیز وجود دارد، زیرا آنها بیش از ۱۰۰۰ کیلومتر دورتر هستند. بازگشتن نیروی هوایی اسرائیل تا چند سال دیگر هواپیماهای تاکتر سوخت‌گیری هوایی جدید **KC-۴۶** را دریافت نداشتن جایگزین بهتر میان باید به نفت‌کش‌های بسیار قدیمی و رها کردن تاکرها و احتمالاً سوخت‌گیری زمینی در یک کشور عربی خلیج فارس متکی باشد. حتی با وجود آن عناصر، نیروی هوایی ارتش ممکن است هواپیماهای خود را در جریان حمله به ایران از دست بدهد. هواپیما ممکن است توسط سامانه‌های پدافند هوایی ایران مانند اس۳۰۰ سرنگون شود. در طول دهه گذشته، نیروی هوایی ارتش در مقابله با پدافند هوایی سوریه که از حمایت ایران برخوردار است، تجربه رزمی به دست آورده است.

دوم، از دیگر چالش‌های پیش روی ارتش اسرائیل، استحکامات ضخیم است که از برخی سایت‌های هسته‌ای ایران محافظت می‌کند. نیروی هوایی اسرائیل دارای بمب‌های مخفی (**GBU-۲۸**) است، اما آنها به اندازه کافی قدرتمند نیستند. بمب **Rampage** جدید ۱۲۰۰ پوندی اسرائیل ارتقا یافته ۲۰۰۰ پوندی بمب ادویه دارد که در حال حاضر جواپگو نیست . در ادامه این مرکز به هزینه حمله تأسیسات هسته‌ای ایران می‌پردازد

و خاطرنشان می‌کند: «به طور کلی، نیروی هوایی اسرائیل ممکن است در حمله به تأسیسات هسته‌ای ایران به موفقیت محدودی دست یابد، اما احتمالاً هزینه هواپیما و خدمه هوایی ایران خواهد پرداخت. اسرائیل ممکن است به دلیل نداشتن جایگزین بهتر همچنان این ریسک را بپذیرد. در ادامه این مرکز از ورود حزب‌الله در صورت رویارویی با ایران پرده برمی‌دارد و می‌نویسد: حزب‌الله دارای ۱۵۰۰۰۰ موشک است که کل اسرائیل را پوشش می‌دهد و در نتیجه می‌تواند تلفات سنگین و خسارات بزرگی وارد کند. اسرائیل ممکن است حمله همزمان به سایت‌های هسته‌ای ایران و موشک‌های حزب‌الله، حداقل خطرناک‌ترین آنها را در نظر بگیرد.

#### مبارزه با یک بازیگر غیردولتی

در ادامه مرکز بگین سادات به نقش بازیگران نیابتی می‌پردازد. این مرکز حماس و حزب‌الله را دو بازیگر غیردولتی مهم که اسرائیل را تهدید می‌کند ارزیابی کرده و معتقد است بعد از برنامه هسته‌ای ایران این بازیگران غیر دولتی در درجه دوم قرار می‌گیرند. در همین ترتیب این مرکز می‌نویسد: براساس سند استراتژی ارتش اسرائیل، ارتش اسرائیل به دنبال ترکیب قدرت آتش گسترده و یک مانور در مقیاس بزرگ است و در سال‌های اخیر ارتش اسرائیل تمرینات مختلفی را با هدف